

# “من از مذهب متنفرم”



روزی در یکی از مدارس دولتی استرالیا وارد کلاس تعلیمات دینی شدم و به شوخی با حروف درشت روی تخته سیاه نوشتم:

“من از مذهب متنفرم”

یکی از دانش‌آموزان حیرت‌زده گفت: «نه! چنین حرفی توی این کلاس سر آدم را بر باد می‌دهد!»

جواب دادم: آخر من طرفدار پراپا قرص مسیحیت واقعی‌ام!

چند نفر هم‌زمان پرسیدند: «مگر بین مذهب و مسیحیت فرقی هست؟»

گفتم: «الآن توضیح می‌دهم.»

## ۱- پی بردن به هدف خدا

درست است که مسیحیت نیز یک مذهب است، اما شخص ممکن است مذهبی باشد ولی مسیحی نباشد. مسیح فریسیان مذهبی‌نمای روزگار خود را محکوم کرد چون آنها شخصیت واقعی خود را در پس تشریفات مذهبی و ظاهرسازی اخلاقی پنهان می‌کردند.

ممکن است تعجب کنید، اما خدا علاقه‌ای به مذهب یا اخلاقیات ظاهری ندارد. او به روابط، به زندگی روحانی و به واقعیت توجه دارد. به عبارت دیگر او می‌خواهد که نه تنها با او رابطه‌ای درست داشته

باشیم، بلکه با یکدیگر و با خودمان نیز در رابطه‌ای صحیح بسر ببریم. او می‌خواهد که ما واقعاً همان باشیم که هستیم و شخصیت واقعی خودمان را همانطور که هست بپذیریم تا بتواند ما را کمک کند.

همچنین هدف خدا این نیست که ما را به افرادی خوب تبدیل کند، بلکه هدف او این است که از ما افرادی کامل بسازد، زیرا میزان کاملیت ما است که باعث می‌شود اعمال، رفتار، زندگی و روابطمان نیز کامل باشد.

مذهب بیشتر می‌کوشد ما را از بیرون اصلاح کند و خوب جلوه دهد، اما خدا می‌خواهد ما را از درون اصلاح و دگرگون سازد. چون اصلاح شدن از بیرون ممکن است به صورت باری طاقت‌فرسا و غیرممکن درآید، اما تنها با اصلاح شدن از درون است که می‌توان آزاد و رستگار شد. مسیحیت صرفاً یک مشت قانون و مقررات دست و پاگیر نیست، بلکه عبارت است از تجربه کردن محبت الهی، آموزش الهی، پذیرفته شدن از سوی خدا.

خوب است توجه داشته باشیم که خدا نمی‌خواهد مثل یک پلیس ما را به خاطر اشتباهاتی که مرتکب می‌شویم مجازات کند. در واقع، هر کاری هم که کرده یا نکرده باشیم، او همچنان ما را با محبتی ازلی دوست دارد و برای زندگی‌مان برنامه و نقشه‌ای عالی دارد. هم برای زندگی ما بر روی این دنیا و هم برای زندگی ابدی ما! عیسی مسیح در این باره می‌گوید: «زیرا خدا جهان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانه یابد» و «من آمده‌ام تا ایشان حیات داشته باشند و از آن به فراوانی بهره‌مند شوند».

## ۲- مشکل انسان

همه ما ممکن است به‌ظاهر افراد خیلی خوبی باشیم، ولی اگر کسی درون‌مان را مورد کنکاش قرار دهد اغلب معلوم می‌شود که وضع بسیار خراب است! سنکا، فیلسوف برجسته روم باستان، این مطلب را به زیبایی بیان داشته است، می‌گوید: «ما همه گناه کرده‌ایم. برخی بیشتر، برخی کمتر». کتاب مقدس نیز که کلام خدا است بر این گفته صحه می‌گذارد: «زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا کوتاه می‌آیند». اما گناه تنها انجام دادن اعمال بد نیست، بلکه هر چیزی که مطابق معیار کاملی که خدا برای ما انسان‌ها در نظر داشت نباشد، گناه است. بنابراین کینه و نفرت از دیگران، غرور، حسد، داشتن انگیزه‌های نادرست و غیره نیز همگی گناه است. همچنین اکثر ما مرتکب گناه سهل‌انگاری می‌شویم، زیرا آنچه را که می‌دانیم درست است انجام نمی‌دهیم.

یکی دیگر از سوءتفاهماتی که در مورد خدا وجود دارد این است که او منتظر است ما را بگیرد یا به‌خاطر گناهایی که مرتکب می‌شویم مجازات‌مان کند. در واقع این خود ما هستیم که مجازات گناه را بر خودمان می‌آوریم، چون هر گناهی همیشه عواقب طبیعی خاص خود را به دنبال دارد. به‌عنوان مثال، هر قدر هم که سعی کنیم نمی‌توانیم قانون جهان‌شمول جاذبه را نقض کنیم، زیرا این قانون را به هیچ وجه نمی‌شود زیر پا گذاشت و اگر بکوشیم چنین کنیم، عواقبش گریبان ما را می‌گیرد. به همین ترتیب قوانین اخلاقی جهان‌شمول خدا را نیز نمی‌توان زیر پا نهاد. اگر بخواهیم چنین کنیم، ناگزیر باید منتظر عواقب دردناک آن نیز باشیم، هم در این دنیا، به‌صورت رنج و درد و غم و بیماری و مرگ روحانی، و هم در نهایت در قالب مرگ ابدی یا جدایی از خدا.

ما مثل یک لامپ سوخته هستیم که نمی‌تواند در برابر منبع نیروی الکتریسیته واکنش نشان دهد. و از آنجا که از لحاظ روحانی مرده‌ایم، به محبت و قدرت خدا نیز نمی‌توانیم واکنش نشان دهیم مگر آنکه او نخست ما را تعمیر یا اصلاح کند. به‌علاوه، از آنجا که از لحاظ روحانی مرده‌ایم، غیرممکن است که خودمان را نجات دهیم. تنها خدا می‌تواند ما را نجات دهد. به همین خاطر است که حتی تمام اعمال نیکوی این دنیا نیز قادر نیست ما را نسبت به خدا زنده سازد. خدا تنها زمانی می‌تواند ما را تعمیر کند و اصلاح نماید که به این واقعیت پی‌ببریم!

### ۳- پاسخ مسیح

از آنجا که گناه ما باعث شده است از خدا جدا شویم، در درون ما خلای روحانی وجود دارد. به قول آگوستین: «خدایا، تو ما را برای خود آفریده‌ای، و دل‌های ما آرام و قرار نخواهد یافت مگر در تو.» بیشمار ادیان و مذاهب موجود در دنیا گواهی است بر جستجوی بیکران انسان جهت یافتن خدا و پرکردن این خلاء. اما از آنجا که خدا ما را بینهایت دوست داشت، پسر بی‌گناه خود عیسی را به این جهان فرستاد تا ما را از وضعیت اسفبارمان نجات دهد.

مسیح این کار را به این صورت انجام داد که بجای ما بر روی صلیب مرد تا نتیجه گناه و بهای فدیۀ گناهان ما را که همانا مرگ بود، بپردازد. بدین ترتیب عیسی مسیح تنها راه چاره‌ای است که خدا برای زدودن گناهان ما فراهم کرده است، و تنها راه آشتی مجدد انسان با خدا و دست یافتن به حیات جاویدان است.

کتاب مقدس که کلام خداست در این باره می‌گوید: «زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیح عیسی است. او که با دادن جان خود، بهای رهایی تمام آدمیان را پرداخت» (اول تیموتائوس ۲: ۵ و ۶). اگر برای نجات آدمیان راه دیگری وجود می‌داشت، بدون شک عیسی مسیح به‌خاطر ما نمی‌مرد. از آنجا که او بی‌گناه بود، تنها کسی بود که این شایستگی را داشت که در راه گناهان ما بمیرد.

### ۴- دعوت از شما

اگر دادگاهی شما را به جرم ارتکاب جنایتی هولناک مقصر می‌شمرد و به مرگ محکوم می‌کرد، و آنگاه به شما عفو غیر مشروط و آزادی را پیشنهاد می‌کرد، آیا این پیشنهاد را نمی‌پذیرفتید؟

از آنجا که مسیح به‌خاطر ما مرد، این دقیقاً همان پیشنهادی است که خدا به ما می‌دهد، و به همراه آن می‌خواهد عطای حیات جاویدان را نیز به ما ارزانی دارد. تنها کاری که ما باید انجام دهیم این است که آموزش الهی او را بپذیریم. برای انجام این کار چنین کنید:

اول: اعتراف کنید. کلام خدا می‌گوید: «اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او که امین و عادل است گناهان ما را می‌آمرزد.»

دوم: توبه کنید. به عبارت دیگر لازم است از راه‌های گناه‌آلود و خودخواهانه‌مان دست بکشیم و از خدا و راه‌های او پیروی نماییم. عیسی مسیح می‌فرماید: «پادشاهی خدا نزدیک است. پس توبه کنید و ایمان

بیاورید».

سوم: ایمان بیاورید. کلام خدا می‌گوید: «به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه‌ات نجات خواهند یافت.»

چهارم: بپذیرید. خدا همچنین می‌گوید: «به همه کسانی که او (مسیح) را بپذیرند، این حق را داد که فرزندان خدا شوند، یعنی هر کس که به نام او ایمان آورد.»

آنچه که باعث می‌شود مسیحیانی واقعی باشیم این است که بپذیریم گناهکاریم، ایمان بیاوریم که عیسی به‌خاطر گناهان ما مرد، او را به‌عنوان خداوند و نجات‌دهنده‌مان در زندگی خود بپذیریم، و بخشش خدا را بپذیریم.

## اطمینان نجات

اگر واقعاً و از ته دل عیسی مسیح را به زندگی خود دعوت نموده‌اید، می‌توانید خود را یک مسیحی واقعی بدانید و مطمئن باشید که از عطای یک زندگی روحانی تازه و نیز حیات جاودان برخوردارید. همچنین اکنون فرزند خدا محسوب می‌شوید و به خانواده خدا تعلق دارید. خود خدا چنین وعده‌ای داده است. و حال بسته به شماست که این وعده او را رد کنید یا بپذیرید. این وعده را نه با احساسات، بلکه با ایمان بپذیرید. چون احساسات زودگذر است و تغییر می‌کند، اما کلام خدا تا به ابد باقی است.

کلام خدا می‌فرماید: «و آن شهادت این است که خدا به ما حیات جاویدان بخشیده، و این حیات در پسر اوست. آن که پسر را دارد، حیات دارد و آن که پسر خدا را ندارد از حیات برخوردار نیست. اینها را به شما نوشتم که به نام پسر خدا ایمان دارید، تا بدانید که از حیات جاویدان برخوردارید.»

مترجم: عیسی دیباج

برگرفته از سایت کلمه